## بازداشت اعضای باند سریع و خشن

پنج نفر از اعضای باند معروف به سریع و خشن که امنیت شب‌های تهران را برهم زده بودند، بازداشت شدند.

به گزارش جام‌جم، اعضای این باند تعدادی جوان بودند که گروهی به‌نام «سریع و خشن» را راه‌اندازی کرده و در بزرگراه‌ها و معابر عمومی که مردم در حال تردد بودند، سوژه خود را انتخاب می‌کردند. متهمان با خودروهای خود به‌صورت آینه به آینه به خودروهای مردم می‌زدند که این کار منجر به آسیب به خودروهای شهروندان یا واژگونی آنها می‌شد. متهمان این پرونده با تقویت غیرقانونی سیستم خودروهای خود ازجمله سیستم موتور و صدا سریع از محل فرار می‌کردند. آنها همچنین با استفاده از تجهیزات حرفه‌ای از اقدامات خود فیلمبرداری کرده و تصاویر آن را در فضای مجازی منتشر می‌کردند.

برخی از افراد این گروه، هنگام رانندگی مواد روانگردان استفاده کرده و در وضعیت عادی نبودند. تاکنون پنج نفر از اعضای این باند بازداشت‌شده‌اند.

# دام طلایی ماموران قلابی برای تاجر سرشناس

گروه حوادث

مامورنماهای قلابی مسلحانه وارد هتلی در شمال تهران شده و با ربودن تاجر سرشناس، شمش طلایش را سرقت کردند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، نیمه اول آذر امسال پیرمردی با حضور در شعبه دوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران از سه مرد مامورنما به اتهام آدمربایی و سرقت شمش طلایش شکایت کرد.

شاکی در جریان تحقیقات گفت: تاجرم و کارم خرید و فروش طلا و شمش است. اواخر هم طلا و شمش‌ها را با دلار معاوضه می‌کردم. از دوستم خواستم برایم مشتری پیدا کند که او شماره‌ام را به فردی داده بود که مدعی بود می‌خواهد شمش‌های طلا را بخرد و به جای آن دلار بدهد. با خریدار تلفنی حرف زدم و قرار شد اتاقی در یکی از هتل‌های معروف شمال تهران برای معامله رزرو کنیم.

آن‌روز به هتل رفتم و کیفی را که حاوی ۶ شمش طلا بود با خودم بردم و منتظر خریدار شدم. حتی به کارمند هتل گفتم با آمدن خریدار او را به اتاق موردنظر راهنمایی کند. نیم‌ساعت بعد کسی به در اتاق زد و وقتی در را باز کردم از خریدار خبری نبود و به جای او دو پلیس آمده بودند که مسلح بودند و شوکر و بی‌سیم داشتند. مدعی بودند من قاچاقچی شمش طلا و تحت‌تعقیب پلیس هستم و باید برای تحقیقات به اداره پلیس برویم. هر چه گفتم اشتباه می‌کنید و معامله‌ام قانونی است و شمش‌ها قاچاق نیستند، توجهی نکردند. مرا دستبندزده و با خودروی سمندکه آژیر پلیس روی آن نصب بود با خود بردند. یک‌ساعت بعد مرد دیگری به آنها اضافه شد و در خیابان سوارش کردند. این مرد مدعی شد اگر شمش‌ها را به اداره پلیس منتقل کند به‌عنوان شمش قاچاق ضبط می‌شوند و دیگر دستم به طلاها نمی‌رسد. علاوه بر آن باید چند برابر قیمت آن جریمه بپردازم و ۲۰ سال از زندگی‌ام را در زندان بمانم. هرچه گفتم کارم قانونی بوده و قاچاق طلا و شمش در کار نیست توجهی نکردند. می‌ترسیدم بلایی سرم بیاورند. بعد از بازکردن دستبندم، یکی از شمش‌ها را برداشتند و بقیه را پس دادند و گفتند که اگر شکایت کنم می‌آیند و بقیه شمش‌ها را هم می‌برند.

پس از این شکایت، پرونده در دستور کار ماموران حفاظت اطلاعات ناجا قرار گرفت و مشخص شد که در آن روز هیچ گشت پلیسی در حوالی محل سرقت ماموریت نداشته و متهمان، ماموران قلابی بوده‌اند.

ماموران در جست‌وجوی متهمان فراری بود تا این‌که بعد از دو ماه رد یکی از متهمان به‌دست آمد و چند روز پیش بازداشت شد.

متهم و همدستانش در پوشش مامور مسلحانه شاکی را ربوده و شمش طلایش سرقت کردند

متهم مدعی بود در این سرقت مسلحانه نقشی نداشته و اشتباهی بازداشت شده اما در مواجهه حضوری با شاکی از سوی وی به عنوان یکی از سارقان شناسایی شد.

بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تائید این خبر به جام‌جم گفت: متهم دستگیرشده در بازداشت است و تحقیقات برای دستگیری همدستان او ادامه دارد.

### والدین واقعی شیما شناسایی شدند

## درخواست قصاص برای بهلول

والدین واقعی شیما، دختر نوجوانی که به دست بهلول به قتل رسیده بود با حضور در دادسرای جنایی تهران برای قاتل قصاص خواستند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، شیما دختر ۱۵ساله اوایل مرداد سال گذشته وقتی فهمید زن و مردی که با آنها زندگی می‌کند والدین واقعی او نیستند از خانه فرار کرد و فریب راننده ۶۱ساله‌ای به نام بهلول را خورد و پا به خانه او گذاشت. آن مرد مانع از خروج وی از خانه‌اش شد و بعد از ۵۰روز بهلول با دختر نوجوان درگیر شد و او را با شال خفه کرد.

مرد میانسال بعد از قتل، جسد دختر نوجوان را در خانه صاحبخانه‌اش دفن کرد.

متهم به قتل در بازجویی‌ها مدعی شد که به خاطر توهین شیما به همسر و فرزندانش او را خفه کرده است. با اعتراف بهلول، ماموران به خانه موردنظر رفته و استخوان و بقایای به جا مانده از جسد شیوا را در آنجا کشف کردند.

با شروع تحقیقات، پلیس برای یافتن والدین واقعی شیما وارد عمل شد و چند روز پیش آنها را شناسایی و به اداره دهم پلیس آگاهی تهران احضار کرد.

آنها در جریان تحقیقات گفتند: ما در شهرستان زندگی می‌کنیم. علاوه بر شیما فرزندان دیگری هم داشتیم اما به خاطر مشکلات مالی و شرایط زندگی‌مان نمی‌توانستیم از همه نگهداری کنیم. زوجی را می‌شناختیم که سال‌ها ازدواج کرده و صاحب فرزند نمی‌شدند و دنبال بچه‌ای می‌گشتند تا بزرگ کنند. ما هم که مشکلات زیادی داشتیم تصمیم گرفتیم شیما را بعد از تولد به آنها بدهیم و آنها هم قول دادند از او به‌خوبی نگهداری کنند. پیگیر حال او بودیم اما وقتی دخترمان پا به نوجوانی گذاشت کمتر پیگیر بودیم و نمی‌خواستیم متوجه ما شود و زندگی خوبی که دارد خراب شود. چند روز پیش مردی که سرپرستی او را به‌عهده داشت سراغمان آمد و گفت که شیما کشته شده و قاتل او نیز در بازداشت است. با شنیدن این خبرشوکه شدیم و به اداره پلیس آمدیم که معلوم شد ماجرا صحت دارد. برای قاتل شیما درخواست قصاص داریم.

بازپرس شعبه هفتم دادسرای جنایی تهران با تائید این خبر به جام‌جم گفت: قرار شد والدین واقعی مقتول آزمایش دی‌ان‌ای انجام دهند تا صحت ادعای آنها مشخص شود.

## حکم مرگ برای قاتل نوعروس

مرد افغان که ۱۳سال قبل سر نوعروس خود را بریده بود، با حکم دادگاه به قصاص محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از اسفند ۸۶ با کشف جسد خونین یک زن در جاده قم آغاز شد. بررسی‌ها نشان می‌داد، گلوی او بریده شده و جسد متعلق به زنی است به نام مریم ۲۷ساله که از شمال کشور به تهران آمده و به‌تازگی صیغه یک مرد افغان به نام نعیم شده بود.

با کشف این سرنخ تحقیقات برای دستگیری نعیم آغاز شد اما ردی از او به‌دست نیامد تا این‌که بعد از ۱۳سال زنی با مراجعه به پلیس گفت: داماد به نام نعیم ۱۳سال قبل همسر صیغه‌ای خود به نام مریم را کشته و حالا دختر مرا تهدید به قتل می‌کند.

ماموران بلافاصله نعیم ۵۰ساله را در پاکدشت دستگیر کردند که او به قتل اعتراف کرد و پرونده‌اش برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

در جلسه دادگاه، اولیای دم درخواست قصاص قاتل را مطرح کردند و متهم هم در دفاع از خود گفت: مریم به‌تنهایی زندگی می‌کرد و من عاشق او شده بودم. او را به عقدموقت خود درآوردم اما بعد از مدتی متوجه ارتباط او با مرد دیگری شدم. او را به بهانه تفریح به جاده تهران-قم برده و به خاطر خیانتی که کرده بود، گلویش را بریدم. بعد از قتل به افغانستان گریختم و ۱۳سال بعد به ایران بازگشته و با زنی به نام آرزو ازدواج کردم. او سرناسازگاری گذاشته بود و تهدیدش کردم او را مثل مریم به قتل می‌رسانم که مادر زنم مرا لو داد. من قصد کشتن همسر دومم را نداشتم و فقط می‌خواستم او را بترسانم.

پس از دفاعیات متهم، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شورشده و نعیم را به قصاص محکوم کردند.

## ادعای آزار شیطانی از سوی ۳ پسرعمو

سه پسر نوجوان که متهم به آزار پسر بچه‌ای هستند در دادگاه منکر اتهام خود شدند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، چندی قبل مردی با مراجعه به ماموران پلیس لواسان از سه پسر نوجوان به خاطر آزارواذیت پسربچه‌اش شکایت کرد و گفت: دیروز پسرم با دوستانش در کوچه در حال بازی بود که بعد از ساعتی با حالتی پریشان به خانه بازگشت. با او صحبت کرده و متوجه شدم سه پسر او را مورد آزارواذیت قرار داده‌اند.

پسربچه هم در تحقیقات گفت: در کوچه در حالی بازی فوتبال بودم که سه پسرعمو سراغم آمده و مرا به زور با خود به خانه مخروبه‌ای برده و با تهدید چاقو آزار دادند. آنها تهدید کردند اگر ماجرا را به کسی بگویم مرا می‌کشند.

در ادامه سه پسر نوجوان بازداشت شده و در تحقیقات منکر آزارواذیت پسر بچه شدند و پرونده برای رسیدگی به شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران که به جرایم اطفال رسیدگی می‌کند، ارسال شد و در جلسه بررسی این پرونده، پسربچه به تشریح ماجرا پرداخت و برای متهمان اشدمجازات را خواست. پدر او هم گفت: بعد از این ماجرا پسرم با مشکلات روانی روبه‌رو شده و تحت درمان روانپزشک است و حاضر به گذشت نیستم.

در ادامه سه متهم در جایگاه قرار گرفته و منکر آزارواذیت پسر بچه شدند. یکی از آنها گفت: دایی شاکی با ما مشکل داشت و فکر می‌کنم برای انتقام این شکایت دروغین را علیه ما مطرح کرده است.

سپس وکیل متهمان در دفاع از آنها گفت: متهمان در تمام مراحل منکر جرم خود شده‌اند و شاکی نیز به پزشکی‌قانونی معرفی و ادعایش بررسی نشده است. خواستار بررسی ادعای شاکی و بلوغ متهمان هستم.

در ادامه قضات شاکی را به پزشکی‌قانونی معرفی کردمد تا ادعای آزارواذیت بررسی شود. همچنین قرار شد مشاوران پزشکی‌قانونی درباره درک متهمان از جرم و بلوغ آنها اظهارنظر کنند. بعد ازگزارش پزشکی‌قانونی به این پرونده رسیدگی می‌شود.

## اعتراف قاتل رفیق‌کش

اختلاف برسر سود حاصل از فروش موادمخدر در زنجان منجر به رفیق‌کشی شد. به گزارش جام‌جم، فردی با پلیس شهرزنجان تماس گرفت و اطلاع داد که جسد مرد جوانی در زمین اطراف مصلای شهر زنجان افتاده است. ماموران برای بررسی ماجرادرآنجا حاضر شدند که معلوم شد آثار جراحات و سوختگی روی بدن او وجود دارد و احتمال دادند او به قتل رسیده است. درادامه تحقیقات هویت مقتول به دست آمد و معلوم شد او آخرین‌بار با یکی از دوستانش قرار داشته و بعد از آن دیگر از او خبری نشده تا این‌که جسد وی کشف شده است. دوست او به عنوان مظنون بازداشت شد و در ادامه تحقیقات به قتل اعتراف کرد و گفت: بر سرمقدار سود فروش موادمخدر با هم دعوایمان شد و با شدت گرفتن این درگیری او را با ابزارهای مختلف شکنجه دادم و بعد از کتک‌کاری و ضرب و جرح در خانه به قتل رساندم. بعد جسدش را به زمین‌های جمعه‌بازار قدیمی بردم و رها کردم.

## فداکاری تکنیسین اورژانس برای نجات زن باردار

این روزها چهره خوب فضای مجازی شده است. فیلم ۳۰ثانیه‌ای او برای کمک به زن باردار در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود و همه از فداکاری این امدادگر اورژانس می‌گویند. در این فیلم، زن بارداری برای سوار شدن به بالگرد با مشکل روبه‌رو شده و مامور فداکار خم می‌شود تا این زن روی کمر او برود و سوار بالگرد شود.

صادق حیدرزاده، ۳۸ساله امدادگر فداکار اورژانس است که ۱۴سال سابقه فعالیت در اورژانس دارد. او درباره این فیلم به ایسنا گفت: این کلیپ مربوط به ماموریت برای نجات مادر باردار در روستای بورک منطقه محروم سیلاب کلوار است. وی که رئیس اورژانس هوایی یاسوج است، افزود: دوشنبه ۱۳بهمن وقتی به منطقه رسیدیم به علت کوهستانی بودن آنجا امکان نشستن بالگرد اورژانس وجود نداشت. به خاطر ارتفاع بالگرد از زمین، وقتی سوار شدن برای مادر باردار سخت و دشوار بود، نشستم تا این مادر باردار از روی کمرم بالا برود.

وی بیان کرد: سریع او را به زایشگاه بیمارستان امام سجاد منتقل کردیم و تحویل کادر درمان دادیم که البته حالش مساعد است.

حیدری‌زاده خاطر نشان کرد: استان کهگیلویه و بویراحمد به علت پراکندگی، کوهستانی و صعب‌العبور بودن، یکی از استان‌های پر ماموریت هوایی کشور است. اورژانس هوایی این استان متاسفانه پایگاه و آشیانه ندارد که از مسؤولان کشوری و استانی انتظار داریم در این زمینه همکاری و مساعدت لازم را داشته باشند.

### کوتاه از حوادث

کارکنان فروشگاه اتکا در شهرستان کنارک، گردنبد طلای ۴۰میلیون تومانی را به صاحبش تحویل دادند. ایمان محمدیان مسؤول فروش فروشگاه و محمدجُر غرفه‌دار، از کارکنان فروشگاه کنارک استان سیستان و بلوچستان کیف دستی حاوی گردنبند طلا را در این فروشگاه یافتند .مسؤول فروش فروشگاه اتکا کنارک در این باره گفت: شماره تماسی داخل کیف حاوی گردنبند طلا وجود نداشت و به همین دلیل شماره تماس خود را همراه یادداشتی بر روی در ورودی فروشگاه نصب کردم. روز ۱۵ بهمن ماه فردی به فروشگاه مراجعه کرد و با دادن نشانی کیف به او تحویل داده شد. صاحب کیف، این اقدام را نشان از صداقت و درستکاری کارمندان در فروشگاه‌های زنجیره‌ای اتکا دانست.

دو کوهنورد گمشده در ارتفاعات و مناطق جنگلی رضوانشهر نجات یافتند. دو نفر از اهالی ماسال که برای کوهپیمایی به مناطق جنگلی رفته بودند از مسیر اصلی خارج و به دلیل یخبندان و تاریکی هوا نتوانستند بازگردند که برای نجات خود از نیروهای امدادی هلال احمر کمک خواستند. نیروهای امدادی در ادامه راهی محل شده و بعد از دوازده ساعت جست‌وجو آنها را زنده یافتند و نجات دادند.

تصادف زنجیره‌ای درکمربندی شهر مرند منجر به مرگ دو نفر و مصدومیت یازده نفر دیگر شد. این تصادف میان چند خودروی سواری و سنگین در کمربندی مرند رخ داد. هم‌زمان با حضور نیروهای امدادی اورژانس معلوم شد زن ۴۷ ساله و مرد ۵۸ ساله‌ای که از سرنشینان خودروها بودند فوت شده‌اند. یازده نفر مصدوم نیز راهی بیمارستان شدند.

آتش‌نشانان پسر ۹ساله گرفتار در گل‌ولای اطراف سد شهید دهقان باخرز را نجات دادند. این کودک به علت بازیگوشی و ناآشنایی با وضعیت مردابی اطراف سد، در فاصله حدود ۲۰متر در داخل گل‌ولای گرفتار شده بود که با حضور به موقع آتش‌نشانان نجات یافت.

چهار شروری که پس از تخریب وآتش‌سوزی سفره‌خانه‌ای درمحله خانی‌آباد متواری بودند، بازداشت شدند. وقوع این حادثه به کلانتری خانی‌آباد تهران گزارش شد وآنها برای بررسی ماجرا در محل حاضر شده و در تحقیقات متوجه شدند متهمان چهارنفر بودند که ترک دو موتورسیکلت به سفره‌خانه آمده و پس از تخریب و آتش‌سوزی از محل متواری شدند. متهمان سابقه‌دار پیش از این هم با همین عنوان مجرمانه دستگیر شده بودند. متهمان ساعاتی بعد از حادثه بازداشت شدند. در بازرسی از مخفیگاه آنها سلاح سرد کشف و موتورسیکلت‌های‌شان توقیف شد.

مردی که در اینستاگرام برای ماساژ درمانی خانم‌ها تبلیغ می‌کرد، بازداشت شد. کارشناسان پلیس فتای خراسان جنوبی، هنگام رصد و بررسی درصفحات اینستاگرام، صفحه پسر جوانی را مشاهده کردند که به تبلیغ ماساژ برای خانم‌ها اقدام می‌کرد. در جریان تحقیقات معلوم شد او دارای چند صفحه در شبکه‌های اجتماعی بوده که با ارائه اطلاعات دروغین در حوزه ماساژ در پی رسیدن به اهداف غیراخلاقی خود است. او تحت‌تعقیب پلیس قرار گرفت و بازداشت شد واعتراف کرد این صفحه را برای سوءاستفاده و رسیدن به مقاصد خلاف عفت و اخلاق ایجاد کرده و هیچ مدرکی برای ماساژ ندارد.

تصادف خودروی پژو با خودروی جمع‌آوری نخاله در بزرگراه بابایی یک کشته و یک مصدوم برجای گذاشت. این حادثه در مسیر غرب به شرق بزرگراه شهید بابایی، مقابل شهرک شهید بهشتی رخ داد و نیروهای آتش‌نشانی در محل حاضر شدند. پژو ۲۰۶ دوسرنشین داشت که به دلایلی نامشخص با یک خاور که نخاله حمل می‌کرد تصادف کرد و بعد از خروج از مسیر اصلی با گاردریل‌های کناری این بزرگراه برخورد کرد و واژگون شد .آتش‌نشانان بعد از حضور در محل، زن ۲۰ساله و مرد ۲۴ساله مصدوم را از خودروی پژو بیرون آوردند اما زن جوان به دلیل شدت صدمات فوت کرد و مرد مصدوم راهی بیمارستان شد.

دو نفر که به ارتفاعات کوه‌سرخ شیراز رفته بودند به پایین سقوط کرده و فوت شدند. وقوع این حادثه به ماموران کلانتری ۲۷ گلستان در استان فارس گزارش شد. همزمان با حضور ماموران در محل حادثه که ارتفاعات کوه‌سرخ شیراز بود، معلوم شد یک گروه پنج‌نفره برای تفریح و کوهنوردی به آن مکان اعزام شده بود که دو نفر از آنها که زنی ۴۱ ساله و مردی ۳۴ ساله بودند از کوه به پایین سقوط کرده و فوت شدند.